



خیلواکی

استقلال

چهارشنبه ۰۶ جنوری ۲۰۲۱

ناتور رحمانی

چپاولگران و بازیگران بی مثال ...

هر روز بدعتی بدرآید بدتر ز بد *** بینی رجال مُلک چه بیداد میکنند (؟)

ای پُردرد ترین قوم تاراج شده !

میزان درد و بیدادی را که ستم پیشگان زمان به حق تو روا داشته اند هیچ نویسنده ای نمی تواند تحریر نماید ، حتا اگر از همه دریاها رنگ و از همه نیستان ها قلم بسازد

وقتی سازمان شفافیت دفترملل متحد بعد ارزیابی فساد ، تقلب و انواع خیانت در افغانستان ، این کشور را به درجه دوم در سطح جهان، بد معرفی میکند ، یکبار دیگر نهاد هر افغان با وجدان بر سلاله زمامداران چپاولگر ، خودفروخته ، خاین و مفسد نفرین و لعنت میفرستد .

افغانها در دوره های سیاه سیاست مُلک شان پیوسته مورد هجوم لاشخورهای گسیل گردیده ، تربیه یافته و یا گماشته شده ، با نفوذ ، پول و زور سیستم های امپریالیستی شرق و غرب قرار گرفته و بار بار تاراج شده اند. این مردم از ترس دزدیده شدن سایه های شان به دست پاسبان و کوتوال ، قاضی و وکیل ، وزیر و امیر بی تفاوت و عیاش ، خودفروخته های درباری ، شهزاده های برادرگش و چوکیدارهای حلقه بگوش کافر و مسلمان در تاریکی های کشوری که آفتابش را هم دزدیده اند بی سایه میگردند ، همه سایه های بی سایه بوده اند ، نه یکسال ، نه دوسال ، دوصد سال سیاه ... (انگلیس زاده ها ، روسی مشربان ، امریکا پرستان) درهر برهه ای از زمان برای دربند ساختن آزادی ، به دار کشیدن دموکراسی و خاموش کردن فریاد حق خواهی با کمک بدار های رنگارنگ

شان ، مُلک را به یک زندان بزرگ و گوشه گوشه آنرا به گورهای دسته جمعی هزارها هزار وطنپرست آزادیخواه تبدیل نموده اند؟!

این وجدان فروخته های بی نظیر برای منافع شخصی ، قومی و گروهی خویش بنام های عدالت و مساوات ، آزادی و دموکراسی ، دین و مذهب از همان دوصد سال پیش ، از همان نخستین قدم انقیاد و بردگی ، افغانستان را از شان و شوکت فرود آوردند و بر خاک مزلت ، فقر و عقبگرایی نشاندهند ، آنها آبادی ، امنیت ، تمدن ، صداقت و کرامت خاک را برباد نمودند، آنها دانش و خرد ، آگاهی و هنر را با بی خردی ، خرافات پسندی ، ژولیدگی ، تعصب و درجاذگی معاوضه کردند ، آنها خردمندان ، آگاهان ، استادان و هنرمندان را کشتند ، زندانی ساختند و یا از وطن فرار نمودند ، آنها تمام هستی مادی و معنوی مردم را بنام غنیمت چپاول کردند ، آنها این همه را چنان کردند که اگر تمام خبره گان هزار سال کمر همت ببندند، مُلک و مردم را از این همه بدبختی و سیه روزی نجات داده نخواهند توانست.

نادیده نمی توان گرفت ، در امتداد این خط سیاه سیاست کشور ، جرقه های هم بوده شعله ور و دشمن ستیز ، آدمهای از دیگر جنس که نه چنان بی وجدان بوده اند و نه چنین و طنفروش ... بلی ، عاشقان آزادی ، شیفتگان دموکراسی ، دلدادگان عدالت و برابری و مبارزان سربکف در سرزمین افغانها بسیار و بسیار بوده ، آن قهرمانان حقیقی بنام (مشروطه خواهان اول ، دوم سوم و وطنپرستان واقعی) در دوران سلطنت های اهدایی ، میراثی ، کذایی و خدادادی ... توسط امیران وقت و یا بنا به دستور ارباب های شان عمری را در زندانهای مخوف گذشتانده ، و یا به دست جوخه اعدام سپرده شده اند .

با دریغ و درد ! که تا هنوز هم این سلسله ادامه دارد ؛ درین بیشتر از چهاردهه « چپ و راست » وابسته و خاین ، زمامداران وارد شده و دست نشانده از شرق و غرب ، شاه شجاع های دریشی پوش ، دستار بسر و چپنکی، عقاب های زخمی زیادی را آماج تیر بلا ساخته اند ، مگر نسل دیگری از وطنپرستان ، وارثین برحق آن مشعداران آزادی که دلهای شان برای رهایی سرزمین شان می تپد ، سربکف در سنگر های مبارزه آرامش خیال را برای اشغالگران و مزدوران شان از بین بُرده و ترس را تا بُن دندان های شان دوانده اند .

نه سوسیال امپریالیست های شرق با شعار های رنگین شان توانستند مردم افغانستان را فریب دهند و نه جهانخواران و استعمارگران غرب خواهند توانست با رایج ساختن محفل گرایی ها ، کمسیون بازی ها ، جرگه ها ، شوراها و انتخابات تقلبی ؛ با اشاعه دادن دروغ ، چپاول ، درجاذگی ، رمل

اندازی ، ملا سازی ، دزدی ، فساد ، بی خردی ، ریاکاری ، قاچاق ، قوم پرستی ، تفرقه اندازی ، آدم دزدی ، آدم گُشی ، انتحاری ، ترور های هدفمند و غیره به مرام شوم خویش برسند .
افغانها در صحنه سیاسی کشور شان ، هنرپیشه های زیادی ساخته و بافته خارجی ها را دیده اند ، هنرپیشه ها یا سیاسی مداری های که برای فریب توده ها بازی های ملوث و متفاوتی را اجرا کرده اند، مگر این یکی آخری مُهره دست نشانده عموسام اشغالگر برآستی که هنرپیشه بی بدیل و بی مثالی است ، او سرهمه رقیب های خود را خاریده ، او به اساس لزوم دید و یا کارگردانی از خارج به موقع گریه میکند ، خنده میکند ، چشمک میزند ، دروغ میگوید، لاف میزند ، زور شصت نشان میدهد ، تهدید مینماید ، لطیفه میگوید ، استخاره و دعا مینماید ، شعر میگوید ، قصه میسازد ، قاچاق میبرد ، شریک دزد و رفیق رهن است، خلاصه ایفاگر خوب هر نقش است .

چند نمونه از بازی های شگفت آور وی : رئیس دفتر یا دروغپرداز بی مانند وی آقای عمر داوود زی به ملیون ها دالر از شبکه های ارتباطی و دیپلماتیک ایران میگیرد ، تا طرح های شیطانی استخبارات آخوندها را به اجرا گذارد ، مگر او خاموش است ، تا آنکه بوی گندش بالا شد و همه خبر شدند ، آنگاه جناب ولسمشر با همان دیده درایی که تنها او راست میگوید : این پول ها به امر من طور رسمی و بخاطر کمک گرفته شده است !!؟

او به خاطر هیچ عمل وطنفروشانه اش هیچگاهی نشرمیده و نمی شرمد ، این ملت است که از طرز خرام و کاروایی های وی غرق عرق شرم میگردند ، او طالب است و با طالب های دشمن تمدن ، ترقی ، علم و هنر ، آن زن ستیزان ، آدمکشان روابط حسنه دارد (با برادران ناراضی اش ؟؟) او با جنرال های پاکستانی از طریق پاپالین های زیرزمینی ارتباط داشته و برای شریک ساختن طالب های پاکستانی در چپاول ، کشتار و بربادی افغانها مساعی بخرچ میدهد ، او آخوند است و از مجرای هژمونست های مذهبی آن دیار مخفیانه پول میگیرد تا تضاد های زبانی ، سمتی ، قومی و مذهبی را در بین افغانها بیشتر دامن بزند .

لیکن ، او هرکی و هر چه باشد ، باید بداند تا وقتی یک افغان وطنپرست ، صادق و وفادار بمردم در افغانستان موجود باشد خودش و شرکای جرمی اش به مرام شوم شان نخواهند رسید ... گرچه که اکثر بی دانش ها و بی هنرها ؛ خودفروش ها و هرزه ها ؛ صدرنشین و همه کاره دربار اند ، این دوره هم سرمیرسد و همه آنها به زیاله دان تاریخ مدفون خواهند شد ، همانگونه که حکم تاریخ است .

هر وقت که آشیانه خود یاد میکنم *** نفرین به خانواده صیاد میکنم (؟)
در دور دگر، ملت در خون نشسته وجود منفور و مضحک مزدور دیگر را به اجبار باید تحمل نمایند
، آدمک روانی بی که در سفلگی ، مزدوری و وطنفروشی خودش را مغزمتفکر جهان می نامد ...

انسان ها هرگز خود را از بند و زنجیر تحمل ناپذیر و تبلور یافته در قانون زمام های خودکامه ،
مزدور و مستبد رها نخواهند کرد ، مگر با یک عمل انقلابی (؟)